



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیوسته رشته حقوق و
معارف گرایش حقوق خصوصی

مالکیت معادن در حقوق ایران و فقه امامیه

مؤلف:

فاطمه زارعی جلال آبادی

استاد راهنما:

دکتر امیر محمدی

استاد مشاور:

دکتر سلطان مرادی

اسفند ۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

ما حاصل آموخته هایم را تقدیم می کنم.

به

پدر مهربانم که همیشه پشتیبانم بوده و مادر دلسوزم، که با مهربانی هایش گرمابخش وجودم بوده است.

همسر صبورم که با وجود تمام سختی ها در کنارم ایستاده و تنهائیم نمی گذارد.

خواهر عزیزم که از کودکی برایم بهترین و واقعی ترین، همراه بوده است .

دلبندانم طاها، طاهر کوچکم که مادریم را در کنار تمام فعالیت هایم پذیرفته اند و روشنی بخش زندگی ام شده اند.

تشر و قدردانی

خداوندا به ما توفیق تلاش در شکست، صبر در نومی، رفتن بی همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی دنیا، مذهب بی عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، ایمان بی ریا، خوبی بی نمود، گستاخی بی خامی، مناعت بی غرور، عشق بی هوس، تنهایی در انبوه جمعیت و دوست داشتن بی آنکه دوستت بدارند، را عنایت فرما.

جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده، و چشم ما را ضیای خود ده، و ما را از فضل و کرم خود آن ده که آن به.

یارب دل ما را تو به رحمت جان ده درد همه را به صابری درمان ده
این بنده چه داند که چه می باید جست داند تو یی هر آنچه دانی آن ده
از استاد گرامیم جناب آقای دکتر امیرمحمدی بسیار سپاسگذارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان تامین این پایان نامه بسیار مشکل مینمود.

چکیده

از آنجایی که نبود قانون در هر مکان و هر موضوع، می‌تواند موجب بی‌نظمی و هرج و مرج شود و موجبات سوءاستفاده افراد سودجو را فراهم کند، در بحث معادن نیز این مشکل قابل‌سرایت می‌باشد. اینکه مالکیت معادن از آن چه کسی می‌باشد؟ مسئله‌ای مهم و قابل‌بحث و تحقیق است. چرا که این منابع عظیم می‌توانند سهم بسزایی در رشد و توسعه کشور داشته باشند. نبود قانون کامل و جامع در این زمینه می‌تواند این منابع را هدر دهد و باعث سوءاستفاده‌هایی بزرگی در بهره‌برداری و استخراج این منابع شود.

در این تحقیق سعی شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا می‌توان معادن را به افراد حقیقی و حقوقی واگذار کرد و اینکه آیا دولت می‌تواند به تنهایی مالک معادن محسوب شود؟ در اینجا مشخص می‌کنیم که فقها در باب مالکیت معادن چهار دیدگاه کلی را بیان می‌دارند گروهی، معادن را جز انفال می‌دانند؛ و گروهی آن را از مباحات قلمداد می‌کنند و گروه سوم معادن را تابع زمین می‌دانند؛ و گروه چهارم بین معادن از لحاظ معادن ظاهری و باطنی تفاوت قائل می‌شوند؛ که در بین این دیدگاه‌ها با توجه به دلایل آن‌ها نظر اول بهتر و قابل دفاع می‌باشد. قانون‌گذار هم در قوانینی که از ابتدا در خصوص معادن تصویب کرده است ضابطه‌های متفاوتی را در خصوص معادن دنبال کرده است که هر قانون با یکی از نظرات فقهی هماهنگ بوده است. واژگان کلیدی: مالکیت، معادن، انفال، مباحات.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۵
مقدمه.....	۱
بیان مسئله.....	۱
سؤالات و پرسش های تحقیق.....	۲
اهداف تحقیق.....	۳
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۳
روش تحقیق.....	۴
پیشینه تحقیق.....	۴
ساماندهی تحقیق.....	۵
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۷
مبحث اول: تعریف معدن.....	۸
گفتار اول: معدن در لغت.....	۸
گفتار دوم: معدن در حقوق موضوعه.....	۹
بند اول: قانون اساسی.....	۱۰
بند دوم: قانون مدنی.....	۱۱
گفتار سوم: معدن در فقه امامیه.....	۱۱
بند اول: تعریف معدن در فقه امامیه.....	۱۲
بند دوم: ملاک تشخیص معدن در فقه امامیه.....	۱۳

۱۴.....	مبحث دوم: تقسیم‌بندی معدن
۱۴.....	گفتار اول: انواع معدن و مواد معدنی در حقوق موضوعه
۱۷.....	گفتار دوم: انواع معدن در فقه
۱۷.....	بند اول: معادن ظاهری
۱۹.....	بند دوم: معادن باطنی
۲۰.....	مبحث سوم: پیشینه معدن در ایران
۲۰.....	گفتار اول: سیر تاریخی بهره‌برداری از معادن
۲۵.....	بند دوم: سیر تاریخی قانون‌گذاری در خصوص معادن
۲۷.....	فصل دوم: مالکیت معادن در حقوق ایران
۲۸.....	مبحث اول: قانون مدنی
۲۹.....	مبحث دوم: مالکیت معادن بر اساس قوانین خاص معدن:
۲۹.....	گفتار اول: قانون معادن سال ۱۳۱۷
۳۱.....	گفتار دوم: قانون معادن سال ۱۳۳۱
۳۴.....	گفتار سوم: قانون معادن ۱۳۶۲
۳۷.....	گفتار چهارم: قانون معادن ۱۳۷۷
۴۳.....	فصل سوم: مالکیت معادن در فقه امامیه
۴۴.....	مبحث اول: انفال و معادن
۴۴.....	گفتار اول: تعریف انفال
۴۴.....	بند اول: تعریف لغوی انفال در فقه امامیه
۴۵.....	بند دوم: مفهوم اصطلاحی انفال در فقه
۴۶.....	بند سوم: مصادیق انفال در فقه امامیه

گفتار دوم: شمول انفال بر معادن.....	۴۹
بند اول: ادله‌ای این نظریه.....	۴۹
بند دوم: اشکالات نظریه شمول انفال بر معادن.....	۵۱
مبحث دوم: معدن و مباحات.....	۵۶
گفتار اول: تعریف مباحات.....	۵۶
گفتار دوم: شمول مباحات و مشترکات عمومی بر معادن.....	۵۷
بند اول: ادله و اشکالات این نظریه.....	۵۷
مبحث سوم: تبعیت معدن از زمین.....	۶۰
گفتار اول: ادله و اشکالات نظریه تبعیت معدن از زمین.....	۶۱
مبحث چهارم: مالکیت معادن بر حسب نوع معدن.....	۶۵
گفتار اول: ادله و اشکالات دیدگاه چهارم.....	۶۶
نتیجه‌گیری.....	۶۹
الف) قانون.....	۶۹
ب) فقه.....	۷۱
منابع.....	۷۲

مقدمه

مواد اولیه و ثروت‌های معدنی موجود در خشکی‌ها، تأثیر و اهمیت زیادی در زندگی اقتصادی بشر دارند. در حقیقت زمین و ثروت‌های معدنی، مایه اصلی کلیه اشیاء و ثروت‌های مورد استفاده بشر می‌باشند. از این رو صنایع استخراجی اساس صنایع را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر مالکیت با نماد تصرف انسان‌ها در اشیاء، یکی از ملزومات زندگی اجتماعی است که همواره، مورد توجه جوامع بشری بوده. مالکیت معادن از موضوعاتی است که همواره با اختلاف نظرهای زیادی در فقه و حقوق مواجه بوده است.

هرچند در فقه و قوانین، رویه ثابتی در بحث مالکیت معادن دنبال نشده است ولی با بررسی تمام جوانب، ابتدا در اینجا به بیان کلیات و تعاریف مربوط به این موضوع می‌پردازیم و در فصل دوم، مالکیت معادن را در حقوق ایران با بررسی قوانین مصوب در این زمینه از ابتدا تا به اکنون دنبال می‌کنیم؛ و سپس، به طور مشخص در فصل سوم، نظرات فقهی را همراه با ادله و اشکالات وارد شده به هر نظر بیان می‌داریم؛ و در آخر به نتیجه‌گیری در حقوق ایران و فقه امامیه می‌پردازیم.

بیان مسئله

وجود معادن در هر کشوری می‌تواند پشتوانه محکمی برای آن کشور در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تأمین سرمایه و مواد مورد نیاز برای بسیاری از تولیدات باشد و رشد و توسعه و اقتصادی را تسریع کند؛ اما متأسفانه همین منابعی که می‌توانند موجب پیشرفت اقتصادی گردد، در بسیاری از کشورهای جهان به خصوص کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته به علت بی‌برنامگی و وابستگی مطلق کشور به درآمدهای مالی این منابع، نه تنها موجب پیشرفت و توسعه نمی‌شوند بلکه عقب‌افتادگی و وابستگی این کشورها را به دنبال دارند.

استفاده و بهره‌گیری از معادن، یک امر غیرقابل اجتناب در جامعه کنونی می‌باشد؛ زیرا این نعمت بزرگ خدادادی یکی از منابع کسب درآمد و پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شود.

استفاده از معدن و بهره‌گیری از آن و به تبع آن مالکیت آن نه در فقه امامیه و نه در قوانین موضوعه ایران منع نشده است.

بنا به روایتی که از امام علی (ع) آمده است. ایشان بیان داشتند: (لا یحل منع الملح و النار... حلال نیست جلوگیری از معدن نمک و آتش) گفته شده است منظور امام از آتش بوته‌های بیابان‌ها است و شیخ انصاری منظور امام (ع) از آتش را نفت و مواد سوختنی می‌داند.^۱

پس همان‌طور که دانستیم بحث مالکیت معادن و بهره‌گیری و استفاده از آن امری همیشگی و قابل توجه است و هم در فقه امامیه و هم در قوانین موضوعه ایران به آن توجه بسیار شده است.

فقهای امامیه در مباحث مختلف همچون بحث خمس^۲، احیاء اراضی موات^۳ و انفال^۴ از مالکیت معادن سخن به میان آوردند و آن را مورد بررسی خود قرار داده‌اند.

در قوانین موضوعه ایران هم از سال‌های بسیار دور قوانین متعددی در این باب به تصویب رسیده است؛ که ضابطه‌ای مالکیت در هریک از قوانین متفاوت و مطابق یکی از نظرات فقهی بوده است.

در این پایان‌نامه سعی می‌شود که تمام قوانین معدن و نظرات فقها در این باب را، مورد بررسی قرار دهیم.

سؤالات و پرسش‌های تحقیق

اصلی‌ترین سؤالی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. این است که مالکیت معادن از آن کیست؟ به عبارت دیگر مالکیت معادن بر اساس قوانین مصوب در ایران و نظرات و دیدگاه‌های موجود فقه امامیه از آن کیست؟

^۱ حرعاملی، محمدحسن، وسایل الشیعه جلد ۲۵ ص ۴۱

^۲ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام جلد ۱۶ ص ۱۳۰

^۳ حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف (علامه حلی)، تذکره الفقها جلد ۲ ص ۴۰۴

^۴ مفید، محمدبن نعمان، النهایه، ص ۴۱۹، نشر مؤسسه نشر اسلام، چاپ ۱۳۷۶

- و اینکه آیا معادن جز انفال و متعلق به امام و حکومت اسلامی هستند؟ و یا جز مباحات محسوب می‌شوند؟

- آیا مردم در استفاده از معادن حق مساوی دارند؟

- دیدگاه قانون مدنی و قانون اساسی و قوانین خاص معدن در خصوص معادن و به خصوص مالکیت معادن چیست؟

اهداف تحقیق

از آنجایی که معادن جز مهم اقتصاد کشور محسوب می‌شود می‌خواهیم در اینجا مشخص کنیم که:

۱. مالک اصلی معادن کیست؟

۲. آیا بخش خصوصی می‌تواند به‌عنوان مالک معادن محسوب شود؟

۳. و اینکه با نگاهی به نظرات فقهی مشخص کنیم که آیا در فقه امامیه برای معادن مالک خاصی مشخص شده است؟

در آخر به نقاط ضعف و قوت قوانین موجود در خصوص معادن پردازیم و به یک نتیجه‌گیری مفید دست‌یابیم

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه معادن یکی از منابع کسب درآمد دولت‌ها محسوب می‌شوند؛ و کشورها می‌توانند با استفاده از سود حاصل از این صنایع، کشور خود را توسعه دهند.

اما با توجه به اینکه معادن جز اموال طبیعی غیرقابل تجدید هستند؛ و هرچند هم که زیاد باشند تمام‌شدنی می‌باشند و روزی به پایان خواهند رسید. باید در این زمینه قانون‌گذاری‌هایی درست و اقداماتی صحیح صورت گیرد. از این‌رو دولت‌ها باید توجه خاصی به شرایط و اوضاع معادن داشته باشند؛ و در مراحل کشف و استخراج و بهره‌برداری از آن‌ها کنترل و نظارت خاص و ویژه داشته باشند. همان‌طور که بهره‌برداری بی‌اندازه و بدون نظارت و کنترل خطر پایان یافتن و تمام شدن

برخی از معادن را ایجاد کرده است. پس وجود قوانین صحیح و کارآمد در این زمینه امری ضروری و غیرقابل انکار است.

اینکه، مالکیت معادن با استفاده از قوانین متعدد و کارآمد مشخص شود؛ و افرادی را که می‌توانند بر اساس این قانون به امر بهره‌برداری و استخراج معادن پردازند مشخص کند. امری ضروری و مهم است، چراکه اگر این موارد مشخص نباشند سبب هرج و مرج و بی‌نظمی بسیار در استفاده از معادن می‌شود؛ و سبب می‌شود افراد قدرتمند و زورگو در این زمینه موفق‌تر باشند و سبب ایراد ضرر به دیگر افراد جامعه شوند که این همان قاعده لا ضرر و مخالف با اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد که یکی از اصول حاکم بر بهره‌برداری از معادن می‌باشد.

در همین راستا، مشخص نمودن اینکه، معادن جز ثروت‌هایی عمومی هستند و افراد نمی‌توانند در آن‌ها بهره‌برداری خصوصی بنمایند؛ و یا اینکه معادن جز اموالی هستند که افراد می‌توانند استفاده و بهره‌برداری شخصی کنند هم امری مهم می‌باشد و در ایجاد نظم و جلوگیری از ضرر زدن به افراد جامعه امری مهم تلقی می‌شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای می‌باشد و در نگارش آن از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. همچنین از نرم‌افزارها، سایت‌ها، قوانین متعدد، کتب فقهی و حقوقی، استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

هرچند قوانین متعددی در موضوع معادن و مالکیت آن به تصویب رسیده است، لکن چون قانون مدنی که قانون مادر است (و کتب متعددی در شرح و تفسیر آن نوشته شده) تنها یک ماده به مالکیت معادن اختصاص داده و در همان ماده هم استخراج معادن را به قوانین موضوعه ارجاع می‌دهد، لذا حقوق‌دانان بزرگ و شارحین قانون مدنی در توضیح مالکیت معادن به نوشتاری مختصر اکتفا کرده و مطالب بیشتر را به بررسی قوانین خاصه معدن ارجاع داده‌اند. در فقه نیز فقها

به صورت پراکنده گاهی در بحث خمس معادن، گاه در بحث احياء موات و گاه در بحث انفال به موضوع مالکیت معادن پرداخته‌اند، به علاوه تحقیق جامعی که هم به بررسی مالکیت معادن در فقه و هم به بررسی مالکیت معادن در حقوق موضوعه و ایضاً تطبیق این دو به دست آوردن قوانین موضوعه در فقه، پرداخته باشد، وجود ندارد. به همین جهت وجود تحقیق جامعی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

ساماندهی تحقیق

در این پایان‌نامه موضوع مالکیت معادن را در سه فصل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در فصل اول به بیان کلیات و تعریف مفاهیم پرداخته می‌شود. در مبحث اول به تعریف معدن که در گفتار اول به تعریف معدن در لغت و در گفتار دوم به تعریف آن در قوانین موضوعه که شامل قانون اساسی و قانون مدنی می‌باشد پرداخته‌ایم.

در گفتار سوم به بحث معدن در فقه امامیه پرداخته شده است که آن را در دو بند تعریف معدن و ملاک تشخیص معدن در فقه امامیه پیش برده‌ایم.

در مبحث دوم به تقسیم‌بندی معادن توجه شده است که در گفتار اول آن را در حقوق موضوعه و در گفتار دوم آن را در فقه امامیه بررسی نموده‌ایم و در نهایت در مبحث سوم به پیشینه‌ی پرداخته شده است که در دو گفتار بحث سیر تاریخی بهره‌برداری و قانون‌گذاری در خصوص معدن را بیان کرده‌ایم.

در فصل دوم به مالکیت معادن در حقوق ایران می‌پردازیم و آن را به دو مبحث کلی مورد بررسی قرار داده‌ایم که مبحث اول در خصوص معادن در قانون مدنی و مبحث دوم در خصوص معادن در قوانین خاص خودش می‌باشد.

فصل سوم مربوط به مالکیت معادن در فقه امامیه می‌باشد که نظرات فقها و ادله و اشکالات

وارد شده به این نظرات را در چهار مبحث مورد بررسی قرار داده‌ایم.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

مبحث اول: تعریف معدن

در فرهنگ لغت‌های مختلف، به تعریف معدن در کنار تمامی کلمات پرداخته شده است؛ و در قوانین مختلف نیز، به بحث معادن و مسائل پیرامون آن توجه شده است؛ اما متأسفانه، در هیچ‌یک از قوانین، چه قانون مدنی و قانون اساسی و چه در قوانین خاص معدن تعریف دقیق و جامعی از این واژه صورت نگرفته است. فقها نیز، در کتاب‌های خود این واژه را به طور دقیق تعریف نکرده و تنها مصادیق آن را، مورد توجه و بحث قرار داده‌اند.

گفتار اول: معدن در لغت

در فرهنگ لغت دهخدا آمده است ((معدن ترکیبی است شیمیایی و نباتی که به‌مرور زمان در قعر زمین تشکیل شده و موادی را ساخته که موسوم به زغال‌سنگ و آهن و سایر فلزات گردیده و

به واسطه استخراج یا شکاف‌هایی که در اثر زلزله یا آتش‌فشانی در زمین یافت شده، از قعر به سطح آمده و قابل استفاده گردیده است))^۱

دکتر معین در فرهنگ لغت خود چنین آورده ((معدن جایی ست زیرزمین یا روی زمین که در آن فلزات و انواع سنگ‌ها ذخیره شده است))^۲

در فرهنگ لغت‌های اختصاصی معدن بیان شده که ((به جای انباشته شدن طبیعی فلز یا سنگ‌های گوناگون که ارزش اقتصادی داشته باشد معدن میگویند)).

به‌طور کلی واژه معدن در منابع لغت به دو معنی بکار رفته است یکی مکان هر چیزی که اصل و مرکز آن چیز در آنجا باشد و دیگری محل رویدن و سرچشمه فلزات مانند طلا و نقره و دیگر سنگ‌های گران‌بها اما عرف محدوده این تعریف را وسیع‌تر کرده است و هر آنچه از زمین استخراج گردد و ارزش اقتصادی داشته باشد را معدن میگوید.

گفتار دوم: معدن در حقوق موضوعه

در حقوق موضوعه ایران، در کنار قوانین خاص معدن، در قانون مدنی و قانون اساسی موادی در خصوص معدن وجود دارد که نه در قانون مدنی و نه در قانون اساسی، به‌طور کامل و جامع به این موضوع و مسائل پیرامون آن پرداخته نشده است.

^۱ دهخدا، علی اکبر، لغتنامه فارسی، جلد ۴۵، واژه معدن، نشر امیرکبیر، سال ۱۳۸۰

^۲ معین، محمد، فرهنگ لغت فارسی، جلد ۴، ص ۴۲۶، نشر امیرکبیر، سال ۱۳۷۲

بند اول: قانون اساسی

در اصل ۴۵ این قانون آمده است که:

(انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.)

پس بر اساس این اصل از قانون اساسی که هم از انفال و هم از ثروت‌های عمومی که جز مباحات هستند سخن به میان آورده است. حکم معادن به‌طور صریح مشخص نشده است. بدین صورت که هم می‌توان گفت، بر طبق این ماده، معادن جز انفال هستند چراکه به نظر فقهای که معادن را از انفال می‌دانند، انفال باید در اختیار پیامبر باشد و پس از ایشان، به جانشینانشان تعلق بگیرند که حکومت اسلامی هم بعد از امام، به‌عنوان جانشین پیامبر محسوب می‌شود و در همین اصل هم آمده که معادن در اختیار حکومت اسلامی است.

وهم اینکه می‌توان، معادن را جز مباحات قرار دهیم چراکه در اصل ۴۵ سخن از ثروت‌های عمومی شده است که ثروت‌های عمومی جز مباحات محسوب می‌شوند و در فقه هم برخی از فقها می‌گویند معادن جز مباحات می‌باشند.

اما همان‌گونه که برخی از فقها بیان می‌دارند^۱ اینکه، معادن از مباحات باشند هم سبب نمی‌شود که حکومت اسلامی در خصوص آن‌ها به قانون‌گذاری وضع قوانین نپردازد. چراکه این امر، یعنی وضع قوانین در این مورد باید صورت گیرد تا معادن را به‌درستی اداره کنند و بر اساس مصالح عامه در خصوص مسائل پیرامونش تصمیم‌گیری شود.

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ص ۶۰۸، نشر مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، سال ۱۳۸۰

بند دوم: قانون مدنی

در قانون مدنی، یک ماده به معدن اختصاص داده شده است در ماده ۱۶۱ این قانون آمده است که (معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین موضوعه خواهد بود.)

بر اساس این ماده و نظر قانون مدنی، اگر معدنی، در اراضی موات و مباحه یافت شود ملک کسی خواهد بود که آن را حیازت کرده است؛ و به این اعتبار، می توان معادن را در پاره‌ای از موارد از مباحث دانست. ولی با تصویب قوانین معدن این موضوع دگرگون شده است؛ و در حقوق کنونی هیچ یک از معادن را نباید در شمار اموال مباحه آورد.

پس بر طبق قوانین معدن باید گفت، معدنی که در اراضی موات و مباحه قرار دارند ملک دولت محسوب می شوند و سایر معادن نیز، یا طبق ماده ۱۶۱ قانون مدنی به تبع زمین مال اشخاص است؛ و یا به دلیل اهمیتی که دارد از اموال دولت محسوب می شوند. از طرفی چون معادن را نمی توان از اموال عمومی و مشترک دانست باید پذیرفت که در حال حاضر معدن همیشه دارای مالک خاص و معین است که امروزه بر طبق قوانین ایران این مالکیت از آن دولت می باشد.

گفتار سوم: معدن در فقه امامیه

فقاها به بحث معدن و تعریف آن، به طور جداگانه و کامل کمتر پرداخته اند و بیشتر، در جاها و موضوعات مختلف همچون بحث خمس و احیاء اراضی موات به این موضوع توجه کرده اند. وان را مورد بحث قرار داده اند.

بند اول: تعریف معدن در فقه امامیه

«بسیاری از فقها و بزرگان امامیه از واژه معدن و مشتقات آن تعریفی ارائه نداده‌اند و به تبعیت از روایات باب معادن تنها به ذکر مصادیق آن‌ها بسنده کرده‌اند و یا به دلیل اینکه معنا و مفهوم آن برایشان مشخص بوده است به تعریف آن نپرداخته‌اند.

در اینجا به ذکر چند تعریف ارائه شده توسط فقها می‌پردازیم

۱- ابن منظور در کتاب لسان العرب معدن را این گونه تعریف می‌کند که:

(المعدن مکان کل شی یكون فيه اصل هومبدوه نحو معدن الذهب والفضة والاشيا... المعادن المواضع اللتی یتخرج منها جواهر الارض: معدن جای هر چیزی است که اصل و ریشه و مبدأ آن چیز در آنجاست یعنی جایی که جواهر و اشیای معدنی از آنجا استخراج می‌شوند)^۱

۲- فیروزآبادی در قاموس این گونه می‌نویسد که (والمعدن كمجلس منت الجواهر من ذهب و نحوه لاقامه اهله فيه دايماً أولانبات الله عزوجل اياه فيه و مکان کل شی فيه اصله:

معدن بر وزن مجلس به معنای منبت و محل رشد و رویدن جواهر مانند طلا و نقره و اطلاق کلمه معدن در چنین جاهایی به این جهت است که اهل جاهایی در آنجا اقامت می‌کنند)^۲

۳- ابن اثیر در کتاب نهاییه معدن را این گونه تعریف می‌کند که (المعادن التي یتخرج منها جواهر الارض كالذهب و الفضة و النحاس و غیر ذلك واحدها المعدن و... المعدن مرکز کل شی)^۳

به آن مکان‌هایی که جواهر و اشیای گران‌بها و قیمتی مانند طلا و نقره و مس و غیر آن‌ها در آن استخراج می‌شود و مرکز هر چیزی نیز معدن نامیده می‌شود.^۴

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۱۳، ص ۱۷۹، نشر دار صادر، سال ۱۳۷۵

^۲ فیروزآبادی، قاموس المحيط، جلد ۴، ص ۲۴۶، نرم افزار فقه اهل بیت

^۳ ابن اثیر، النهایه فی غریب، الحدیث، جلد ۳، ص ۱۹۲، نرم افزار فقه اهل بیت

^۴ اعتمادی، محمد، مقاله مالکیت معادن در فقه امامیه، مجله فقه اقتصادی